اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت یکصد و پنجاه و دو)

مسخ (بخش ۶)

سبت

تابه حال از روی آیات قرآنی متوجه شدیم که انسانها ممکن است بدون آن که خود بدانند، مسخ شوند. اما آیا قرآن جهت جلوگیری از این اتفاق، چاره ای دارد؟

چاره این موضوع را خدای مهربان در قرآن فرموده است. روز دین (یوم الدین) روزی است که هر کسی راه و روش زندگیش مشخص میشود. آن روز، روز جدایی سبکها و روشها خواهد بود. آن روز، روز جدایی دینها خواهد بود. هر کسی به دین خودش. هرکسی به سبک و سیاق و روش خودش.

وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ ﴿٢٠﴾

و می گویند ای وای بر ما این است روز دین (۲۰)

هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿۲۱﴾
این است همان روز جدایی که آن را تکذیب میکردید (۲۱)

دین در قرآن به معنای راه و روش و بینش و استایل زندگی است. یوم الدین یعنی روزی که هر کسی روش و سبک زندگیش رو میشود و هر کسی می رود سمت استایلی که در این دنیا انتخاب کرده است. این قضیه جدی تر از آنی است که تصور می کنیم. وقتی سبک زندگی و دین آدمی اشتباه باشد، در روز دین، همان روش اشتباه را ادامه خواهد داد، البته بدون آوانسهای نظام رحمانی. دین اشتباهی در این دنیا خیلی با دین اشتباهی در جهنم فرق میکند. زیرا سبک و سیاق اشتباه در این دنیا، از آنجا که در نظام رحمانی است، در نگاه اول به چشم نمی آید. کسانی که روش زندگی اشتباهی را پیش گرفته اند، هنوز از صدقه سر نظام رحمانی، لذتهایی می برند. البته خودشان فکر میکنند که بخاطر استایل خودشان است ولی اشتباه مهلکی میکنند. هر گونه دلخوشی و لذت واقعی در این دنیا بخاطر وجود نظام رحمانی است. گرنه سبکهای غلط، بدون آوانسهای نظام رحمانی بی معنی و زجر دهنده و عذاب هستند. مثلا یک کیک اگر زیاد شیرین باشد، لذت بخش نیست و بلکه عذاب است.

جهنم تمام روشها و سبکهای غلط را در خود جمع میکند. خدا در جهنم به کسی ظلم نمی کند و بلکه برای هر کسی استایلش را پیشش میگذارد (اما بدون آوانسهای

رحمانی). جهنم جای کتک کاری و زدن نیست. استایل و طریقت غلط زندگی برای عذاب جهنم کافی است. خدای عادل حکیم در قرآن اصرار دارد و به طرق مختلف بیان میکند که در جهنم به کسی ظلم نمیکند.

جهنم جایگاه روشهای اشتباه است. ما روزی هفده بار در نمازهای خود میگوئیم مالک یوم الدین. یعنی ای مالک و صاحب روز دین. پس کسی در آن روز سربلند و موفق است که در این دنیای فانی به روش مالک، این دنیای فانی را سپری کرده باشد. یکی از روشهای غلط زندگی، زیرپاگذاشتن عمدی دستورات و اوامر خداست. این حالت از نافرمانی باعث مسخ افراد خواهد شد. مسخ یعنی دور شدن از نظام رحمانی و مورد غضب خدا قرار گرفتن (مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمُ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ)**.**

قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمُ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتَ أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ ﴿۶۰﴾

بگو آیا شما را به بدتر از [صاحبان] این کیفر در پیشگاه خدا خبر دهم همانان که خدا لعنتشان کرده و بر آنان خشم گرفته و از آنان بوزینگان و خوکان پدید آورده و آنانکه طاغوت را پرستش کرده اند اینانند که از نظر منزلت بدتر و از راه راست گمراه ترند (۶۰)

آنچه که اهمیت دارد این است که لعنت شدن و مورد غضب خدا واقع شدن، یعنی دین خدا را عمدی زیر پا گذاشتن و در نتیجه مسخ شدن به میمون و خوک و برده طاغوت شدن. در چند قسمت قبلی ثابت شد که مسخ به میمون از نظر اخلاقی رفتاری

کرداری است و مسخ به خوک هم از نظر خصوصیات فیزیکی جسمانی است. اگر به ترتیب ها در آیه بالایی توجه کنیم، ابتدا میمون ذکر شده است بعد خوک. یعنی انحراف رفتاری کرداری از انحراف جسمی خیلی بدتر است.

براساس آیه قرآن دلیل اصلی مسخ شدن به میمون و یا خوک، زیرپاگذاشتن سبت است. سبت در عربی (معادل شبات در عبری) به معناهای زیر است:

شنبه ، استراحت، آسایش ، بریدن ، آرمیدن ، قطع کردن

در شنبه، مسلمانان آن موقع از تمامی اعمال خود دست کشیده، استراحت میکردند. اما معنای این کلمه در قرآن بسیار گسترده تر است. نقض سبت نمایانگر بکارگیری کلک شرعی و انحراف در احکام دینی هم است. سبت در مورد خواب شبانه هم گفته شده است (وَالنَّوْمَ **سُبَاتًا). زیرا خواب شبانه، قطع کردن ارتباط نفس با لایه عقل و احساس است. به این طریق در خواب شبانه (نوم)، نفس در بصیرت و عقل و احساس دخالت نمی کند و همچنین عقل و احساس هم در نفس دخالت نمی کنند و به این طریق مصالحه ای موقتی بین این دو به وقوع می پیوندد که این خودش بسیار مهم است و باعث قطع پیوستگی درگیری بین این دو میشود. بیشتر مشکلات روانی انسان از پیوستگی ارتباط بین نفس و عقل و احساس بوجود میاید. خواب شبانه به معنای تعطیلی بیشتر فعالیت های جسمی و روحی انسان است و همین تعطیلی چند ساعته شبانه، سبب استراحت و ترمیم اعضای آسیب دیده و فرسوده، تقویت روان، ریست**

کردن روان انسان و رفع هر گونه خستگی و ناراحتی و بالاخره آمادگی برای تجدید فعالیت دوباره می شود.

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ **سُبَاتًا** وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا ﴿۴۷﴾

و اوست کسی که شب را برای شما پوششی قرار داد و خواب را [مایه] آرامشی و روز را زمان برخاستن [شما] گردانید (۴۷)

نباید خواب شبانه را به هم بزنید و گرنه از سبت تخلف شده است. مردم معمولا تا نصفه های شب مشغول فیلم نگاه کردن و مهمانیهای شبانه هستند. که اینها همگی باعث به هم خوردن نوم (خواب شبانه) میشود. به هم خوردن خواب شبانه به علت نگاه کردن فیلمها و کلیپهای فضای مجازی و یا مهمانی های شبانه، تاثیر خوبی بر روز بعد نخواهد داشت. بچه‌هایی که شبها فیلم‌های خشن نگاه می‌کنند، روز بعد ممکن است به جنگ و درگیری کشانده شوند. کسی که تا نصفه شب بیدار است و فیلم و سریال نگاه می‌کند دیگر غیر ممکن است که نماز صبح بجا آورد.

خدای مهربان در آیه بالایی، خواب شبانه را با فعل جَعَلَ (**جَعَلَ** لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا) **بکاربرده است و همچنین تبدیل به میمون و خوک را هم با همین فعل** (عَلَيْهِ وَ**جَعَلَ** مِنْهُمُ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ) **بکاربرده است. این نکته اهمیت و مشابهت موضوع را میرساند.**

ما در طول روز بارهای سنگینی برای خود ایجاد می‌کنیم که شب می‌توان این بارها را تخلیه کرد. شب‌ها می‌توان تصمیمات بزرگ و مهم را برای خود گرفت. شب تعیین کننده است که روز ما چطوری باشد. شب برخلاف هیپنوتیزم و مدیتیشن آرامش دهنده است. کسانی که مدیتیشن می‌کنند، خود اقرار می‌کنند که بعد از مدیتیشن سرشان درد می‌کند و خسته‌اند. معنویات غلطی همچون مدیتیشن خستگی می‌آورد. گاهی در طول روز هر کاری به افراد می‌گویید که انجام دهند می‌گویند که وقت نداریم یا حوصله نداریم یا خسته‌ایم. زیرا این افراد شبشان را به درستی نگذرانده‌اند. آنها حتماً به جای خواب، شبشان را به مدیتیشن و معنویت‌های کاذب و فیلم‌ها گذرانده‌اند. فیلم زیاد نگاه کردن و غرق شدن در موسیقی و بازی ها و مهمانیهای شبانه همگی یک نوع مدیتیشن است.

تورات سبت را به تعطیلی شنبه ها اختصاص داده است. اما قرآن بسیار فراتر از تورات ما را راهنمایی کرده است. خدای قادر متعال در آخرین کتاب آسمانی، قرآن، مفهوم سبت را بسیار گسترانده است. قبل از هر چیزی محتوای ده فرمان تورات را ذکر کنیم که فرمان چهارم آن مربوط به سبت است.

فرمان یکم: من یهوه خدای تو هستم که تو را از زمین مصر از خانه غلامی بیرون آوردم، و خدایان دیگری غیر از من نباشد.

فرمان دوم: صورتی تراشیده و هیچ تمثالی از آنچه بالا در آسمان است و از آنچه پائین در زمین است و از آنچه در آب زیر زمین است، برای خود مساز. نزد آنها سجده مکن و آنها را عبادت منما، زیرا من که یهوه خدای تو می باشم.

فرمان سوم: نام یهوه خدای خود را به باطل مبر، زیرا خدا کسی را که اسم او را به باطل ببرد، بی گناه نخواهد شمرد.

فرمان چهارم: روز شنبه را یاد کن تا آن را تقدیس نمائی. شش روز مشغول باش و همه کارهای خود را بجا آور. اما روز هفتمین، در آن روز هیچ کار مکن، تو و پسرت و دخترت و غلامت و کنیزت و بهیمه ات و مهمان تو که درون دروازه های تو باشد؛ زیرا که در شش روز خدا آسمان و زمین و دریا و آنچه را که در آنهاست، بساخت و در روز هفتم دستور آرامش به آسمان و زمین فرمود، از این سبب خدا روز هفتم را مبارک خواند و آن را تقدیس نمود.

فرمان پنجم: پدر و مادر خود را احترام نما تا روزهای تو در زمینی که یهوه خدایت به تو می بخشد، دراز شود.

فرمان ششم: قتل نکن.

فرمان هفتم: زنا نکن.

فرمان هشتم: دزدی نکن.

فرمان نهم: بر همسایه ی خود شهادت دروغ مده.

فرمان دهم: به خانه همسایه خود طمع مورز و به زن همسایه ات و غلامش و کنیزش و گاو و الاغش و به هیچ چیزی که از آن همسایه تو باشد، طمع مکن.

همانطور که خدای حکیم در فرمان چهارم فرموده است؛ روز هفتم روز خاصی است. خدا شش مرحله و روز را خلق کرد. اما روز هفتم را در اختیار انسانها قرار داد تا انسانها به دلخواه خویش آن رعایت کنند. روز هفتم که همان سبت است، آنقدر مهم است که یکی از مراحل هفتگانه خلقت هم هست. برخلاف برخی از برداشتها و تفاسیر تورات که می گوید خدا در روز هفتم استراحت کرد؛ این مفهوم در قرآن وجود ندارد.

خدای قادر متعال نیازی به استراحت ندارد. آن قادر متعال بی نیاز از خور و خواب و استراحت است. مفهوم واقعی قانون چهارم تورات این است که خدای مهربان مفهوم سبت را به نظام رحمانی داد. یعنی قانون سبت را در نظام رحمانی قرار داد و در نتیجه جزو لاینفک آن است و بدون رعایت آن، نمیتوان در نظام رحمانی ماند. یعنی بدون رعایت این مفهوم در زندگی، نمی توان دین خدا را رعایت کرد. بنابراین آرامش و سکون و قطع امورات روزانه در سبت، باید رعایت شود و اگر رعایت نشود، جریان و مفهومی مخالف قانون نظام رحمانی شکل می گیرد و آدمی طرد و لعنت میشود.

از نظر قرآن، در مورد قانون چهارم تورات؛ باید توجه کنیم که حتی در قرآن هم روز شنبه تعطیل است و روز جمعه تعطیل نیست. خدا در میان بنی اسرائیل ، شنبه را به عنوان تعطیل قرار داده بود. برخلاف عموم مسلمانان که فکر میکنند، خدا جمعه را روز تعطیل قرار داده است؛ خدا هیچوقت روز جمعه را روز تعطیل اعلام نکرده است. بلکه روز جمعه آخرین روز کاری هفته است. و خدا در قرآن صراحتا بیان نموده است که در روز جمعه بعد از نماز جماعت هفتگی (که روز آخر هفته برگزار میشود)؛ به کار خویش ادامه دهید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٩﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید چون برای نماز جمعه ندا درداده شد به سوی ذکر خدا بشتابید و داد و ستد را واگذارید اگر بدانید این برای شما بهتر است (۹)

فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٠﴾

و چون نماز گزارده شد در [روى] زمين پراكنده گرديد و فضل خدا را جويا شويد و خدا را بسيار ياد كنيد باشد كه شما رستگار گرديد (١٠)

یعنی روز جمعه به عنوان آخرین روز هفته؛ نماز جماعت برگزار میشود و بعد از نماز جماعت دوباره به سر کار خویش برگردید و تعطیل نیست. مسیحیان هم همین اشتباه را کرده اند و یکشنبه را تعطیل اعلام میکنند. در حالیکه از نظر قرآن روز تعطیل شنبه ها برای همه است. سبت در عربی و عبری به معنای روز شنبه است و این روز تعطیل، به نوعی مایه آرامش اجتماعی افراد تمام جهان است. طبق قرآن یعقوب و فرزندانش همگی خود را مسلمان نامیده اند (... وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ **).**

أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَٰهَكَ وَإِلَٰهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَٰهًا وَاحِدًا **وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ** ﴿١٣٣﴾

آيا وقتى كه يعقوب را مرگ فرا رسيد حاضر بوديد هنگامى كه به پسران خود گفت پس از من چه را خواهيد پرستيد گفتند معبود تو و معبود پدرانت ابراهيم و اسماعيل و اسحاق معبودى يگانه را مى پرستيم و در برابر او تسليم هستيم (١٣٣)

ما هم باید مثل یعقوب و سایر پیامبران دیگر، همگی خود را مسلمان بنامیم.

قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ **وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ** ﴿۱۳۶﴾

بگویید ما به خدا و به آنچه بر ما نازل شده و به آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل آمده و به آنچه به موسی و عیسی داده شده و به آنچه به همه پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده ایمان آورده ایم میان هیچ یك از ایشان فرق نمی گذاریم و در برابر او تسلیم هستیم (۱۳۶)

بنابراین اسلام دین تمام پیامبران بوده است و دین نزد خدا فقط اسلام است و هیچ دین و روش دیگری قابل پذیرش نیست. ممکن است کسی بگوید که تعطیلی شنبه ها مال یهودی هاست. این حرف خیلی غیر منطقی است، زیرا تمام پیامبران دینشان اسلام بوده است. ما کاری به یهودی نداریم. ما داریم در مورد دینی صحبت می کنیم که تمام پیامبران تابع آن بوده اند و ربطی به یهودیت و مسیحیت ندارد.

مردم در روز شنبه باید حالت سکون برای خود انتخاب کنند. بهتر است که به دستور خدا عمل کنیم و در این روز، تا حد ممکن و تا جایی که قوانین کاری اجازه میدهد، دست از کار بکشیم، غذاهای ساده تر بخوریم، تلویزیون و موبایل و سایر ارتباطات و مهمانی ها را در حد نیاز اضطراری محدود کنیم، تا حالت سبتی که خدا فرموده است، برای ما برقرار شود. طبق گفته قرآن، اگر قانون سبت عامدانه رعایت نشود، آنوقت فرآیند مسخ اتفاق خواهد افتاد. وقتی مسخ اتفاق بیفتد، افراد زشت میشوند، جامعه زشت میشود، همه ارتباطات زشت میشود. همه گنجایشها پر میشوند، همه

امور لبریز میگردند. همه خسته میشوند و نابهنجاریهای اجتماعی بوجود میاید. آیه زیر در قرآن مفاهیم عمیقی را در مورد سبت به ما میرساند.

وَاسْأَلْهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَٰلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿۱۶۳﴾

و از اهالی آن شهری که کنار دریا بود از ایشان جویا شو آنگاه که به [حکم] روز شنبه تجاوز میکردند آنگاه که روز شنبه آنان ماهیهایشان روی آب می آمدند و روزهای غیر شنبه به سوی آنان نمی آمدند این گونه ما آنان را به سبب آنکه نافرمانی میکردند می آزمودیم (۱۶۳)

به سبک فرموده های آیه توجه کنید:

شهری در کنار دریا بود ،
آنان سبت روز شنبه را رعایت نمی کردند و
از حدود آن تجاوز میکردند،
ماهیها در روز شنبه میامدند،
اما در روز غیر شنبه نمی آمدند

مردم در شنبه تور می انداختند و در یکشنبه شکار میکردند. در روز شنبه ماهیها فراوان می آمدند و در روز یکشنبه نمی آمدند. بعضی مطالب در اینترنت ادعا میکنند

که ماهی ها حافظه ندارند. اما این نکته قرآنی ثابت می کند که ماهی ها هم حافظه دارند و گرنه چطوری به یاد داشتنند که شنبه ها باید بیایند و خطری در شنبه متوجه آنان نیست.

ادامه آیات می فرماید:

وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعْذِرَةً إِلَى رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿۱۶۴﴾

و آنگاه که گروهی از ایشان گفتند برای چه قومی را که خدا هلاک‌کننده ایشان است یا آنان را به عذابی سخت عذاب خواهد کرد پند می دهید گفتند تا معذرتی پیش پروردگارتان باشد و شاید که آنان پرهیزگاری کنند (۱۶۴)

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿۱۶۵﴾

پس هنگامی که آنچه را بدان تذکر داده شده بودند از یاد بردند کسانی را که از [کار] بد باز می داشتند نجات دادیم و کسانی را که ستم کردند به سزای آنکه نافرمانی میکردند به عذابی شدید گرفتار کردیم (۱۶۵)

فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿۱۶۶﴾

و چون از آنچه از آن نهی شده بودند سرپیچی کردند به آنان گفتیم بوزینگانی رانده شده باشید (۱۶۶)

در نهایت آیه آخری می فرماید که : و چون از آنچه از آن نهی شده بودند سرپیچی کردند به آنان گفتیم بوزینگانی رانده شده باشید. وقتی خدا دستور صادر فرماید برای قومی که بوزینگانی رانده شده باشید. یعنی این حکم به آنها سرایت میکند و یواش یواش بدون آنکه متوجه شوند، این تبدیل انجام خواهد شد. دلیل این امر خیلی بدیهی است. زیرا آنها دستورات خدا را کج میکنند و میخواهند سر خدا کلاه بگذارند. کسی نمیتواند سرخدا کلاه بگذارد. هر کاری که علیه خدا انجام دهید، به خودتان بر می گردد.

- **اگر خدا را فراموش کنید، فراموشی به خودتان بر می گردد و خدی قادر توانا به خود فراموشی مبتلایتان میکند** (وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ).

- **اگر بخواهید که خدا را فریب دهید، فریب به خودتان بر میگردد** (إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ).

- **شک و گمان بد بردن به خدا، به خود آدمی بر میگردد** (الظَّانِّينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ).

- **انتظار حوادث بد برای مومنان، به خودشان بر میگردد** (وَيَتَرَبَّصُ بِكُمُ الدَّوَائِرَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ).

- **کسی که علیه طرح خدا مکر کند، مکر به خودش بر میگردد (**وَمَکَرُوا وَمَکَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ**).**

- **اگر مردم برای نعمتی که به آنان داده شده است، سپاسگزاری نکنند، این نعمت به عذاب تبدیل میشود.**

- **اگر کسی حکمت احکام خدا را تغییر ماهیت دهد، خدا هم او را به میمون و خوک مسخ میکند.**

- **اگر کسی مثلا تعطیلی شنبه را دور بزنند و کلک شرعی بزند، خدا هم ماهیت او را تغییر میدهد و مسخ میشود.**

اینها نمونه آیات قرآنی است که ثابت میکنند که کسی نمی تواند سر خدا کلاه بگذارد و هر کسی بخواهد دستورات او را کج کند و یا آن را تغییر دهد، خودش تغییر میکند و به میمون و یا خوک مسخ میشود و یا عبد و بنده طاغوت میشود. این مسخ به آرامی و در طول زمان رخ میدهد؛ طوری که خود افراد هم متوجه نیستند.

بعضی شاخه های عرفانهای شرقی، بجای این قانون الهی، کارما را اختراع کردند. کارما سعی در حذف نقش خدا در این امورات دارد و سبک و سیاقی براساس یک سری قوانین مخصوص خودش میسازد که مهمترین خصوصیات این سبک از زندگی،

حذف شدن خدا از معادلات است. دین یعنی برنامه و بینش زندگی. کارما و تناسخ خودشان یک دین اند که بیشتر مواقع با دین واقعی در تضادند. اساسا این مفاهیم برای دور زدن دین واقعی ساخته شده اند. هر چیزی، هر معادله ای، هر قانونی که خدا از آن حذف شده باشد و یا خدا در آن کم رنگ شده باشد، یک دروغ است و از واقعیت فاصله دارد و نمی تواند انسان را رهنمایی کند. خدای مهربان خیلی زیبا می فرمایند که در جهنم به کسی ظلم نمیشود. این آیه مفاهیم خیلی زیبایی را در خود دارد. یکی از این مفاهیم این است که خدا در جهنم افراد را دست کارما و تناسخ میدهد و آنان از نظام رحمانی طرد میشوند. کارما و تناسخ درون جهنمی، جزو آیتمهای اصلی جهنم هستند.

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٦٠﴾

هر کس کار نیکی بیاورد ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت و هر کس کار بدی بیاورد جز مانند آن جزا نیابد و بر آنان ستم نرود (۱۶۰)

اما کارما در نظام رحمانی، یک دید بسیار سطحی از وضعیت موجود است. فرض کنید شما به آسمان نگاه میکنید و ابرها را می بینید؛ یک تکه ابر در یک لحظه به شکل مثلا گربه است. بعد از آن شما یک قانون میسازید مبنی بر این که ابر میتواند به گربه تبدیل شود. این یک درک و بینش خیلی سطحی از نگاه شماست. کارما هم یک دید

خیلی سطحی از حوادث روزگار است. در هندوستان که مهد کارماست؛ یکی که فرد ناقص الخلقه را اذیت کند، اعتقادشان بر این است که او هم ناقص میشود. البته که اذیت کردن فرد ناقص الخلقه خیلی زشت است. اما این عقیده که فرد اذیت کننده هم ناقص میشود، خیلی سطحی است. به همین خاطر در هندوستان، افراد ناقص الخلقه مقدس هستند و مردم به آنها تقدس بخشیده اند. اینها همگی نتیجه عقاید کارماست. کارما میخواهد خدا، بهشت، جهنم و روز دین و روز جدایی و مفاهیم مهم را از معادلات بشری حذف کند. زیرا خیلی از معادلات بشری بدون این مفاهیم دینی قابل حل نیستند. کارما به افراد و اماکن و حیوانات و شخصیتها تقدس می بخشد. فقط خدا مقدس است و قداست و ستایش فقط شایسته آن خالق یکتاست.

مسخ شدن به میمون و یا خوک مقدمه رفتن به جهنم است. خدا می فرماید که: قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ **در این آیه از فعل** خَاسِئِينَ **به معنای رانده شده استفاده فرموده است. در روز جزا هم، خدا به جهنمی ها می فرماید که بروید و در آن گم شوید و با من سخن نگوئید و از همین فعل** (اخْسَئُوا) **استفاده می فرماید.**

قَالَ اخْسَئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ ﴿١٠٨﴾

می فرماید [بروید] در آن گم شوید و با من سخن مگویید (۱۰۸)

وقتی قانون سبت را رعایت نکنید، خودبخود کندالینی (یا کندالیتی) برای شما فعال میشود و بالا میرود. فعال کردن چاکراها و کندالینی دقیقا مخالف مفهوم سبت است. اگر کندالینی فعال شود، چشم سوم فعال میشود و خودبخود ورودی های شما بیشتر میشود و دچار پرشدگی بطون می شوید. هر روز فرصتی است تا شبها و شنبه ها سکون بیابید و از دست این نوع جادوها نجات پیدا کنید. سبت یک مفهوم گسترده است که باعث رفرش انسان میشود و او را از افتادن در مدیتیشن نجات می دهد.

نجات و خروج بنی اسرائیل از دست فرعون در روز شنبه اتفاق افتاد. فرعون ابتدا فکر میکرد که بنی اسرائیل در روز شنبه دست به هیچ کاری نمی زنند. اما خدا خودش به پیامبر موسی دستور فرمود که شنبه شب حرکت کنید و از مصر خارج شوید. جامعه فرعونی یک جامعه مسخ شده بود. نجات از دست یک جامعه مسخ شده، در شنبه شب اتفاق افتاد. این کار اتفاق بزرگی بود. فرار و نجات از دست فرعون در (شنبه) و (شب هنگام) اتفاق افتاد. یعنی رعایت قانون سبت شنبه و سبت شبانه نجات دهنده شما از دست قوانین یک جامعه مسخ شده است. در یک جامعه مسخ شده، اگر قوانین سبت شنبه و سبت شبانه را رعایت نکنید، همرنگ آنها خواهید شد و مسخ خواهید شد. بنابراین جهت جلوگیری از مسخ شدن و ذوب شدن در یک جامعه مسخ شده باید دو کار انجام داد:

۱- تعطیلی شنبه ها: از وسایل الکترونیکی، موبایل، تلویزیون و ... تا حد ممکن دوری شود. کسب و کار تا حدی که شرایط روز اقتضا میکند، تعطیل شود.

۲- خواب شبانه: شبها زود بخوابید تا بتوانید با کمال میل و اشتیاق برای نماز صبح بیدار شوید و فجر خوبی را شروع کنید. فجر شروع روز شماست. چگونگی شروع یک روز، پایان روز شما را هم رقم میزند.

وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿۴۲﴾

و صبح و شام او را به پاکی بستایید (۴۲)

از نظر من، آدم باید شبها در ساعتی بخوابد که بتواند صبح بدون استفاده از زنگ ساعت برای نماز صبح بیدار شود. این به معنای آرامش واقعی شبانه و سبت شبانه است. حتی شنبه ها هم نباید زیاد درگیر غذا درست کردن و تفریحات شد. بلکه باید از حالت روزمره زندگی برید و انقطاعی در این بین بوجود بیاورید. استفاده از وسائل الکترونیکی در شنبه ها و شبها باید محدود شود. در میان بنی اسرائیل، شنبه ها آتش روشن نمی کردند. آتش در زمان ما، همان وسائل الکترونیکی است اعم از تلویزیون، شبکه های اجتماعی و ... . خدای مهربان با دستور به سبت شنبه ها و سبت شبانه، عملا به محدود کردن استفاده از این وسائل امر فرموده است.

بعضی امورات باید هر شب قطع شوند و بعضی دیگر از امورات باید هر هفته یکبار قطع شوند. اگر این کار را نکنید، در جامعه مسخ شده و ذوب خواهید شد و در نهایت به سیاهی لشکر تبدیل میشوید. خیلی از مردم در جامعه کنونی فقط تقلید کننده هستند و در جامعه مسخ شده اند و سیاهی لشکرند. یک متفکری میگفت که اگر چهل

نفر آدم مسلمان واقعی به من بدهید، تمام دنیا را با آنها فتح میکنم. این حرفش تا حد زیادی صحیح است. زیرا بیشتر آدمیان جامعه ما، سیاهی لشکرند واینها در جامعه مسخ شده اند و از نظر معنوی نفر بحساب نمی آیند.

در جامعه میمونی، یکی سبت را رعایت نکند، بقیه هم دنبالش میروند. کلا جامعه مسخ شده بسیار خطرناک است، زیرا هر گونه عمل نادرستی به بقیه سرایت میکند و مثل یک بیماری مسری همه گیر و به شدت مسری است و غیر قابل کنترل. در جامعه مسخ شده، مثلا اگر یکی استایل خاصی را بپوشد و جلب توجه کند، بقیه هم بدون هیچ فکری از او تقلید میکنند. در جامعه مسخ شده همه چیز مسری است و آدمیان مثل ربات قابل فرمان پذیری هستند. اما کسانی که نمی خواهند به این اعمال مسری تن دهند، به مشکل می افتند و تحت فشار روانی قرار می گیرند. خدای مهربان یک سیستم دفاعی برای این افراد در نظر گرفته است تا در جامعه مسخ نشوند. این سیستم دفاعی همان سبت است. سبت یعنی تعطیلی شنبه ها و خواب شبانه.

پرشوندگی یکی از مهمترین دلایل مسخ افراد است. سبت شنبه ها و سبت شبانه، روان و بطن انسان را تخلیه میکند. افراد در طول روز مطالب زیادی در شبکه های اجتماعی نگاه میکنند که اینها همگی روانشان را پر میکند. هر گونه بطن پر، نیاز به تخلیه دارد. جهت تخلیه چندین راه هست:

۱. آدمها یا باید مثل خوک باشند که هیچ عکس العملی در مقابل پرخوری روانی و پرخوری جسمی نداشته باشند. در نتیجه خصوصیات بدنی آنان مثل خوک میشود و این همان مسخ است.

۲. یا باید مریض شوند.
۳. یا سبت شبانه و سبت هفتگی را رعایت کنند که این صحیح است
۴. یا پرخوری دوباره کنند:

بشر این روش چهارمی را برای تخلیه اختراع کرده است که غلط انداز است و مردم خود را با این روشهای غلط سرکار می گذارند. مثلا وقتی پرخوری میکنند، آنان دنبال خوردنیهایی میگردند که آنان را لاغر کند. یعنی برای تخلیه باز هم میخورند. در حالی که جهت تخلیه باید نخورد. این مورد برای بطن و روان پرشده هم صادق است. مثلا افراد کلیپهای زیادی نگاه میکنند بعد که حسهای افراطی به آنها دست داد، دنبال روشی میگردند که خود را تخلیه و آرام کنند. آنها باز دنبال کلیپهای تاپ دیگری میگردند که آنها را از این حالت پرشوندگی خارج کند. آنها برای تخلیه روانی باز هم میخورند. اینها روشهای اشتباهی است که سایتهای زیادی به اسم روان شناسی و مدیتیشن اینها را توصیه میکنند.

یکی از خصوصیات جهنم، پرشوندگی است. در جهنم همگی دسته جمعی پرخوری جسمی و روانی میکنند. خود جهنم هم یکی از خواصش پرشدگی است. از جهنم پرسیده میشود که آیا پر شده ای؟ جهنم در جواب میگوید که آیا باز هم هست. منظور جهنم این است که هر چه هست بفرستید زیرا جا باز میکند و پُرِ پُر میشود.

يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأْتِ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ ﴿٣٠﴾
آن روز که [ما] به دوزخ می گوییم آیا پر شدی و می گوید آیا باز هم هست (۳۰)

بنابراین هم خود جهنم خاصیت پرشوندگی دارد و هم جهنمی ها خاصیت پرشوندگی دارند و این مقوله جهنم را خیلی سخت تر میکند. جهنمی ها ابتدا از زقوم میخورند و بطنهای خود را پر میکنند؛ آنها گرفتار اثرات بطن و روان پر میشوند و در نتیجه به حمیم روی می آورند تا از پرشوندگی خلاص شوند.

لَآكِلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِنْ زَقُّومٍ ﴿۵۲﴾ قطعا از درختی که از زقوم است خواهید خورد (۵۲)

فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿۵۳﴾ و از آن شکمهایتان را خواهید آکند (۵۳)

فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ ﴿۵۴﴾ و روی آن از آب جوش می نوشید (۵۴)

فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ ﴿۵۵﴾ [مانند] نوشیدن اشتران تشنه (۵۵)

هَذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ ﴿۵۶﴾ این است پذیرایی آنان در روز دین (۵۶)

چرا آنها این روش را انتخاب میکنند؟ آیه آخری (هَذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ **) دلیلش را فرموده است. زیرا این دین و راه و روششان بوده است و هست و خواهد بود. فرض کنید شما کلیپهای زیادی می بینید، اشک شما جاری میشود. اگر سبت را رعایت نکنید، روش تخلیه آن را نمی دانید و ممکن است که دنبال یک سری کلیپهای دیگری بگردید که شما را تخلیه کند. به این طریق در یک سلوک و چرخه بی نهایت خواهید افتاد و بعد از مدتی اشکها و خنده هایت هم دست خودت نیست. شیطان به این طریق میخواهد آیه (**وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى = و هم اوست که می خنداند و می گریاند**) را از خدا سلب کند.**

شیطان در خیلی مواقع می خواهد خودش را جای کلمات (وَأَنَّهُ هُوَ) در قرآن قرار دهد. گریه ها و خنده های ما دست خداست. اما شیطان میخواهد حکمرانی خودش را اینطوری تثبیت کند و گریه ها و خنده های واقعی را از ما بگیرد و زیر یک سیستم مسخ شده آورد.

فرد بطنش پر است و میگوید که چند تا فیلم خوب بهم معرفی کنید تا خالی شَم. او در واقع دارد مشکل را می پوشاند و صورت مساله را پاک میکند. او برای خالی شدن، باز هم فیلم میخورد.

افراد دانشگاه میروند و بطون خود را پر میکنند. بعد از اتمام درس، چیز بدرد بخوری یاد نمی گیرند. اما یک صنعتکار و کشاورز که اصلا دانشگاه نرفته است، چیزهای مفید و بدرد بخوری بلد است. افراط و زیاده روی جالب نیست. کمیت مهم نیست، بلکه کیفیت مهم است. الان والدین در ظاهر علامه دهرند، ولی بچه هایشان را غلط تربیت می کنند. بنابراین پرشدگی کارها را خرابتر میکند.

سبت شبانه یعنی در شب، ورودیهای خود را محدود کنید. تکنولوژی و روشنایی زیاد، مشکلات جدیدی ساخته اند. از یک نظر خوب است، اما انسان را وارد یک سری افراط و تفریطهای زیادی هم کرده است. زمان قدیم، چون همگی سروقتش می خوابیدند، سبت زیاد مطرح نبوده است. اما اکنون ما بیش از پیش به رعایت این خاصیت و دستور قرآنی نیازمندیم. دستورات و آیات قرآنی طوری است که هیچوقت آدمی را پر نمی کند و طرز تکرار و چنیش آیات این کتاب فوق العاده طوری است که هیچوقت آدمی را پر نمی کند. بلکه بطرز عجیبی آدمی را آرام میکند. حتی خدا

ما را نصحیت می فرماید که هر آنچه که از قرآن میسر بود بخوانید (فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ = هر چه از قرآن میسر می شود بخوانید**). زیرا در زیاده روی، کیفیت از دست میرود. بعضی از مسلمانان در ماه رمضان خود را مجبور میکنند که هر روز یک جزء قرآن را ختم کنند که این اشتباه است. آدمی هر روز مقدار کمتری قرآن بخواند ولی با تدبر و تفکر روی آیات آن. کمیت مهم نیست. گاهی یک آیه زندگی آدمی را زیر و رو میکند. مهم این تغییر است که در شما باید صورت گیرد.**